

مقدمه‌ای بر

تاریخ گرافیک در ایران

پرویز تناولی

فهرست

پیشگفتار ۹

چاپ در ایران ۱۳

چاپخانه‌ها ۲۷

ناشر و تیراژ کتاب ۳۳

کتاب ۳۵

صفحه‌آرایی ۳۹

آغاز تصویرگری در چاپ ۵۵

تصویرگران کتاب‌های چاپ سنگی ۵۷

روزنامه ۱۰۹

کاریکاتور ۱۳۱

تجددگرایی و کالاهای خارجی ۱۴۹

اعلان، آگهی و تبلیغ ۱۵۱

سیگار ۱۵۳

گرامافون، رادیو، لوازم خانگی و دیگر کالاها ۱۵۹

دوچرخه، ماشین و دیگر کالاها ۱۷۳

بسته‌بندی ۱۷۹

بُسترهای مذهبی ۱۸۵

اثرات چاپ سنگی بر دیگر هنرها ۲۰۵

شاردن می نویسد: «ایرانیان اشتیاق وافری دارند که صنایع چاپ در کشورشان پدید آید و به فواید و ضرورت آن کاملاً پی برده‌اند. معهذکلاً کسی پیدا نمی‌شود که چاپخانه به وجود آورد. برادر وزیر دربار که یک شخص بسیار عالم و مقرب مشهور شاهنشاه است در سال ۱۶۷۶ م* می‌خواست با من قرار و مداری بگذارد تا کارگزاران به ایران بیایند و این فن ظریف را به ایشان بیاموزند. مشارالیه کتاب‌های عربی و فارسی چاپی را که برایش داده بودم به نظر اعلیحضرت همایونی رسانید. با این پیشنهاد موافقت حاصل شد ولی هنگامی که مسئله‌ی پرداخت پول به میان آمد، هر چه رشته شده بود، پنبه گشت.»^۲

هرغم گفته‌ی شاردن، حدود چهل سال پیش از درخواست او صنعت چاپ به ایران آمده بود، اما شعاع عمل آن بسیار محدود بود. به این معنا که در سال ۱۶۳۷ م یک ارمنی به نام «خاچاطور گیارازی» چاپخانه‌ای در جلغا راه‌اندازی کرد^۳ و چند کتاب هم به چاپ رساند که یکی از آن‌ها هنوز باقی است.^۴ «لطف‌الله هنرفر» نیز سنگ قبری از یک کشیش ارمنی به نام «آسادور» متوفی ۱۶۹۵ م که حرفه‌اش طباعت (چاپچی) بوده، دیده است.^۵

تعمیرات سال‌های اخیر و مصالحی که توسط مؤلف گردآوری شده، نشان می‌دهد، این صنعت نزدیک به چهارصد سال قبل از شاردن نیز در ایران بوده است و ایرانیان آن را از اواخر قرن سیزدهم میلادی و زمان گیخاتوخان (۱۲۹۴ م) می‌شناختند که شرح آن از این قرار است. گیخاتوخان پنجمین پادشاه از سلسله‌ی ایلخانیان، مردی عیاش و شهوتران بود و در اثر بوالهوسی‌های او خزانه‌ی کشور خالی شد. وی به توصیه‌ی وزیرش، «صدر جهان زنجانی» اقدام به چاپ اسکناس‌های کاغذی که در آن زمان در چین رایج بود کرد، اما پول کاغذی مورد قبول مردم تبریز قرار نگرفت.

رشیدالدین فضل‌الله (۶۴۵-۷۱۸ هـ.ق/ ۱۲۴۷-۱۳۱۸ م) وزیر غازان‌خان نیز از کتابی که به شیوه‌ی قالب‌های چوبی چاپ شده بود یاد کرده و می‌گوید: «آنچه کاتبی به سالی نویسد به یک روز قالب برزنند.»^۶ قالب‌های چوبی فوق را صنعتگران چینی مقیم تبریز می‌ساختند.

قالب‌های چوبی متعددی که از عهد صفویه به‌جا مانده و اشاراتی که به کتاب‌های چاپی آن زمان، از جمله کتاب خاچاطور گیارازی شده می‌توان پذیرفت که ایرانیان لااقل از قرن هفدهم کتاب‌ها و نشریاتی را با قالب‌های چوبی چاپ می‌کرده‌اند.^۷ اما به‌دلایل زیاد، از جمله خط خوش کاتبین و تعداد کثیر آن‌ها و نگرانی از قطع درآمدشان، هنوز نیازی به کتاب چاپی با تعداد انبوه نمی‌دیدند.^۸

اگرچه هنوز هیچ کتاب یا برگ فارسی و عربی که مهور به قالب‌های چوبی قدیمی باشد، به‌دست نیامده؛ اما چاپ اخیر آن‌ها نشانگر کاربرد دقیق‌شان است. تعدادی از این قالب‌ها مربوط به یک قرآن است (تصویرهای ۱ تا ۳) و تعدادی

* به کار بردن تقویم میلادی در کنار تقویم هجری شمسی و قمری در این کتاب به‌جهت آسان ساختن رویدادها و مقایسه آن با سایر کشورهای جهان است.

نیز به مضامین دیگری از جمله دعا و علوم غریبه تعلق دارند (تصویرهای ۴ و ۵).
دقتی که در کنده کاری حروف این قالب‌ها انجام گرفته، درخور تحسین فراوان
است. عمق کنده کاری‌ها شش میلی‌متر و در تمامی سطح قالب به یک اندازه است
و قطر حروف نیز در همه جا ثابت و حدود یک میلی‌متر است و هیچ خطایی در
آن‌ها دیده نمی‌شود.

چند قالب فلزی نیز از دوره‌های مختلف پیدا شده که مؤید به کارگیری آن‌ها در
چاپ است. قدیمی‌ترین آن‌ها یک قالب قلع و سربی مربوط به قرن دوازده تا سیزده
میلادی است که صفحه‌ی گردی به قطر ۱۳/۳ سانتی‌متر دارد و بر سطح این قالب
نقش پرنده‌ای با نوک بزرگ نقش شده است (تصویر ۶). چنین نقشی روی
برخی از کاسه‌ها و بشقاب‌های سرامیک قرن ۱۲ و ۱۳ دیده می‌شود.^۹ کنده کاری
کم عمق (کمتر از یک میلی‌متر) قالب، حکایت از استفاده‌ی آن روی کاغذ و نه
پارچه دارد؛ اما هیچ نشانی از چگونگی کنده کاری از طریق اسیدخوردگی در آن
دیده نمی‌شود و مثل قالب‌های فلزی دوره‌های بعد با قلم، کنده کاری شده است.
فاصله‌ی زمانی زیادی بین قالب فوق و قالب‌های فلزی بعدی است. به جز چند
اشاره‌ی تاریخی، تاکنون هیچ نمونه‌ی دیگری تا تاریخ ۱۲۵۶ ه.ق/۱۸۴۰ م پیدا
نشده است. این نمونه یک مُهر چاپی بزرگ به شکل درخت است. وسط این مُهر
آیه‌ای از قرآن دیده می‌شود که دورتادور آن نام امامان آمده است و در پایین و کنار
نوشته نیز عبارت «یا صاحب‌زمان/ تاریخ ۱۲۵۴ ه.ق» دیده می‌شود (تصویر ۷).
دو مُهر فلزی دیگر (تصویرهای ۸ و ۹) نیز در مجموعه هست که روی آن‌ها اسامی
خداوند و امامان نقش شده است. یکی از مُهرهای فوق به شکل دایره (تصویر ۸) و
مُهر دیگر (تصویر ۹) به شکل طاقی است. محل خالی (سفید) مُهر دایره‌ای و مُهر
طاقی برای نام خریدار تعبیه شده است. دعانویس پس از چاپ مُهرهای فلزی روی
کاغذ، نام خریدار را با قلم در محل سفید می‌نوشته است.

چند قالب چاپ تصویری هم در این مجموعه هست که همگی مذهبی‌اند. دو قالب
بزرگ (تصویرهای ۱۰ و ۱۱) نقشی از یکی از امامان و دیگری (تصویر ۱۲) یک
دست با اسماء الهی و برخی از امامان است. دو مُهر منقش به تصویر امامان احتمالاً
در کتاب‌های مذهبی چاپ می‌شده و نظیر مُهر (تصویرهای ۴ و ۵) بوده است. این
مُهرها، قدمت چند صد ساله دارند. بنا به نوشته‌ی رشیدالدین، استفاده‌ی نقاشان
از قالب‌های چوبی لااقل از قرن سیزدهم میلادی رواج داشته است.^{۱۰} حال آن‌که
مُهرهایی نظیر مُهر دست را دعانویسان بر دعا‌هایی که برای رفع بلا و حفاظت
می‌نوشتند، چاپ می‌کردند. مُهر اخیر قدمت چندانی ندارد.

با پیدایش چاپ سربی و سپس سنگی در میانه‌های قرن نوزدهم، عمر چاپ با
قالب‌های چوبی و فلزی به سر آمد و کم‌کم رو به فراموشی رفت.

با تحقیقات و نوشته‌های متعددی که در سال‌های اخیر درباره‌ی صنعت چاپ
ایران به انجام رسیده، این کتاب به‌جای بازگویی آن مطالب، به شرح مختصری
پیرامون این صنعت بسنده می‌کند و چنان‌که قبلاً نیز گفته شد، اهداف دیگر خود
را که اثرات چاپ بر گرافیک ایران است، پی می‌گیرد.